

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض شد مرحوم شیخ از مجموعه‌ی روایاتی صحت عقد فضولی را درآوردند یکی هم روایات باب مضاربه بود روایات باب مضاربه که عرض کردیم در کتاب وسائل آورده و معارض هم ندارد این روایات در معارضش یک مقدار در کتب اهل سنت عن علی نقل شده معارض نداریم در این روایت دارد که اگر مضاربه‌ای انجام داد و به ایشان شرطی کرد که مثلاً در فلان وادی نرو حالا همین مثال عرفی را بزنیم گفت این جنس را این پول را بگیر برو شام از راه جاده هم برو بعضی جاها اگر بخوای میان بروی می‌شود میان بروی در صحرا از آن طرف جاده سر در بیاوری لکن چون صحرا خطرناک است از صحرا نرو شرط من با تو این است که از صحرا نروی و بروی از راه به اصطلاح خود جاده ، حالا اگر رفت و مال تلف شد، دزد گرفت آن را فتوا بر این است ، فتوای صحابه که این ضامن است این ضمانش را متفق علیه هستند این قسمت را که خلاف شرط کرد متفق علیه هستند قسمت دومی که این حکم دارد این است که اگر سالم ماند و ربح کرد این بینکما مخصوصاً اگر این ربح را ربح مسمی بگیریم نه ربح مثل بگیریم اینجا شدیداً علمای اسلام اختلاف دارند . چند قول نقل کردیم چرا چون در این مورد اصولاً کلاً در این مضاربه چیزی از پیغمبر نقل نشده در زمانش از صحابه نقل شده اما در بقیه‌ی احکامش نه .

یکی از حضار : خود عباس که در زمان خودشان می‌دانستند که چه کار می‌کنند ما الان نمی‌دانیم حالا عباس مضاربه‌ای که می‌داده می‌دانسته که سود می‌کرده اتفاق افتاده می‌دانسته خودش باید

آیت الله مددی : ظاهرش این است که شرطی که کرده انجام دادند ربح کردند ظاهرش این است درش ندارد که خلاف شرط کردند یکی از حضار : خودشان می‌دانستند زمان عباس اختلافی نبوده وقتی که ربحی کرده می‌دانسته مضاربه را انجام می‌دادند الان ما نمی‌دانیم که حکم اسلام چیست و الا خود عباس یا دیگران که مضاربه می‌دادند به هر حال اتفاق افتاده یکی از بی راهه رفته آیت الله مددی : رفته اما اینکه سالم مانده ، رفت از بی راهه سالم ماند

یکی از حضار : آیا خود عباس نمی‌دانست که با او چه کار بکند ؟ دعوا می‌کردند ولی در مضاربه‌ای

آیت الله مددی : چرا دعوا بکنند ؟

یکی از حضار: آخر حکم را نمی دانند دیگر، آخر من ضامن اصل نیستم

آیت الله مددی: می گویم آن که در روایت دارد این است که آن برای عباس را شرطش را پیغمبر قبول کرد مثلاً خلاف شرط

شد چه کار می شود کرد

یکی از حضار: خود پیغمبر نه خود عباس و دیگران که مضاربه می دادند و زیاد هم بود خود عرب می دانست که چه کار بکنند

آیت الله مددی: خوب شاید از اینکه صحابه گفتند ضامن است اگر عباس از صحابه می پرسید می گفتند آقا ضامن است شاید خود

او هم

یکی از حضار: نه از صحابه نه یک اتفاق می افتاد اصلاً زمان جاهلیت بگویم عباس می دانسته چه کار می کند، عباس می دانسته

دیگران مضاربه می دادند کامل روشن بوده است

آیت الله مددی: عرض کردم عزیز من در روایت مبارکه آمده که شرط را پیغمبر اجازه دادند اما اگر حالا آثار این شرط چیست سکوت

است نداریم در روایت، ما در روایت داریم در اقوال در باب نفاس که اقل نفاس هجده روز است چون محمد بن ابی بکر که به دنیا آمد

مادر رفت حجة الوداع با رسول الله سال دهم هجرت روز هجدهم وضع حمل، پرسید از حضرت، حضرت فرمود از نفاس درآمدی آن

وقت اهل سنت تمسک کردند که اقل نفاس هجده روز است در روایت ما دارد که این روز هجدهم سوال کرد نه اینکه اقلش هجده روز

است اگر روز دهم هم سوال می کرد پیغمبر می فرمودند نفاس تمام شده است. دقت کنید این مادر محمد ابی بکر روز هجدهم سوال کرد

حالا اگر روز دهم سوال می کرد که اکثر حیض باشد باز هم می فرمودند تمام شده است.

بینید دو بحث است سوال چه شده آن که واقع شده چه شده آن وقت در اینجا مرحوم شیخ استیناسش این است که چون شرط کرده و

خلاف شرط کرده این معامله باطل است مع ذلک گفته ربح له این یک معامله ی جدید و یک مضاربه ی جدید است به نحو فضولی ایشان

خواستند از راه فضولی این را اثبات کنند غایه ما فی الباب درش اجازه نوشته نشده در روایت اجازه نیامده است پس بگویم این به نحو

فضولی درست است و این قدر این درست است که حتی اجازه هم ندهد درست است.

یا از آن راهی که ما رفتیم چون فرمود که این ربح باطل است پس معلوم می شود فضولی باطل نیست حالا به هر حال یکی اینجا.

عرض کنم که مطلب شیخ قدس الله نفسه که اثباتش انصافاً مشکل است خود ایشان هم خوب توجه فرمودند یعنی خیلی بعید است

و لذا اولاً اینجا معامله واقع شده با آن قرارداد بسته که آقا شما بلند بشو برو طرف شام این جنس را بخر بیاور این قدر می فروشیم ربح هم

بین من و شما پنجاه، پنجاه این معامله واقع شده است و این هم این کار را کرده این شخص.

آن چه که در اینجا اتفاق افتاده یک شرطی با او کرده که از صحرا نرو یا حیوان نخر ، حیوان زنده نخر ، حیوان زنده در شرف تلف است . حالا ایشان خلاف شرط کرد رفت شام حیوان زنده هم خرید آمد سالم ماند تا مدینه سالم ماند در اینجا صدق فضولی خیلی مشکل است چون واقعا قرارداد بسته این که فضولی نیست که بعد هم اضافی بر او در باب فضولی معیارش این است که طرف اصلا خبر ندارد این خود مالک پول را به او داد عملا پول به او داد گفت آقا این صد هزار درهم بگیر برو شام برای ما فرض کنید مثلا من باب مثال سماورهای نفتی بخرید چه بخرید حیوان نخر این رفت شام تصادفا پانصدتا گوسفند هم خرید همه را سالم آورد مدینه ، اینجا خلاف شرط کرده است یا در سفری که می روی از صحرا رد نشو ، از صحرا رد شد فلذا در روایت دارد فان سلم و ربح ، فان سلم اگر رفت و سالم برگشت الربح بینهما ، این ضوابط فضولی برش صدق نمی کند .

آنچه که برش صدق می کند این است که ایشان به شرط عمل نکرده است ، یک بحثی را مطرح کردیم که در میان ، خواهد آمد ، آیا اگر شرطی فاسد بود مفسد معامله هست یا نه ؟ خوب بحث خودش را دارد و جای خودش باید بررسی بشود در اینجا دقت کنید ما یک مقدمه ای را خواندیم اگر یاد مبارکتان باشد از کتاب مغنی ابن قدامه این شرطی که این نخر این را گفت صحیح است خوب دقت کنید ، این شرط فاسد هم نیست ، دقت می کنید ؟ این شرط فاسد هم نیست و دلیل بر اینکه فاسد نیست پیغمبر قصه ی حضرت عباس را اجازه دادند.

پس در حقیقت اگر بخواهیم مطلبی را در اینجا بگوییم به شرط عمل نکرده است ، به شرط عمل نکرده است . مرحوم نائینی اگر ذهن مبارکتان باشد گفت این روایت دو طائفه اند یک طایفه اش نهی از سفر است یعنی معامله کرده گفته این کار ، مثل اینکه نائینی بخواهد بگوید در حقیقت نائینی این طور می خواهد بگوید این در حقیقت دو تا معامله است ، یک معامله که ببر این را حریر بخر چه بخر پارچه بخر پوست بخر سود پنجاه پنجاه ، معامله ی دوم از این منطقه سفر نکن ، ایشان می خواهد بگوید که اگر از آن منطقه سفر کرد و تلف شد این جا به خاطر اینکه مخالفت با این دومی کرده ضامن است ، خوب دقت کنید .

اما اگر سود برد و جنس را آورد به مدینه به خاطر اینکه با خود عقد موافقت کرده ربح بینهما ، اشکال کلام نائینی در حقیقت در این قسمت این است که ، البته اگر مراد مرحوم نائینی این باشد من نمی توانم نسبت بدهم به ایشان اگر مراد مرحوم نائینی این باشد که اینجا این که نهی از سفر کرده خودش یک مطلب مستقلی است کانما دو تا قرارداد با ایشان یکی اینکه این جنس را بخر سود پنجاه پنجاه ، خوب این انجام شد ، خوب سود پنجاه پنجاه ، فضولی هم نیست ربطی به فضولی ندارد .

یکی اینکه در این سفر از وادی رد نشو از صحرا رد نشو، حالا آمد از صحرا رد شد مال تلف شد این زمانش به خاطر این نهی است به خاطر این است، خوب دقت کنید.

یکی از حضار: آخر این قرارداد نیست چه نوع قراردادی است؟

آیت الله مددی: آها این مشکل کار، آن وقت اینجا را ما باید یک کمی شرح بدهیم

یکی از حضار: یعنی جای این بحث ترکیبی را در قالب مضاربه مضمون مضاربه و مضمون ترکیبی است گفته اگر تخلف کردی اصل را ضامنی

آیت الله مددی: حالا ببینید ما بیایم این طور بگوییم یک توضیحی اجمالا عرض کنیم حالا ان شاء الله بعد تفسیرش در اختیارات چون بحث شروط در اختیارات دارد مرحوم شیخ،

ببینید در باب المؤمنون عند شروطهم که عرض کردیم المسلمون عند شروطهم روایات ما صحیحه است عامه هم دارند عمل هم به آن کردند لکن گفتند صحیح هم نیست و الی آخره، دقت کنید یعنی بخاری و مسلم گفته صحیح نیست نه مثل ابن حزم، بحث در این است که شرط چیست، ما یک توضیحات کافی عرض کردیم، اصولا در قوانین به طور کلی روی التزامات فردی حساب باز می کنند لذا آمدیم ما عرض کردیم همیشه دو جور ما اعتبار داریم یکی التزامات فردی شخصی من خودم ملتزم بشوم، دو الزامات قانونی، قانون من را ملزم بکند، من سابقا گفتم التزامات قانونی نه بهتر است بگوییم الزامات قانونی، الزامات قانونی و التزامات شخصی یکی از حضار: یا اینکه بگوییم التزام در التزام،

آیت الله مددی: آها اجازه بدهید.

عرض کردیم اصل اولی در اعتبارات قانونی شخص بما هو شخص حق ندارد چیزی برای خودش قرار بدهد حق ندارد اعتبار بکند، این حق قانون است که اعتبار بکند، شخص نمی تواند قانون بکند مثلا من ملتزم می شوم نماز شب بخوانم حق ندارم چنین کاری نماز شب برای خودش واجب می کند، حق ندارد چیزی را برای خودش واجب یا حرام بکند این جزو اصول اولیه ای است که الان در قوانین روی آن حساب می کنند، لذا چون التزامات قانونی اصل اولش فساد است و لذا مرحوم شیخ می گوید اصالة الفساد در معاملات یا در بیع، مراد از اصالة الفساد این است ها، یعنی اصل اولیه شما هر التزامی بدهید من التزام مثلا این تسبیح قیمتش در بازار هشتاد تومان است، من می آیم با شما اتفاق می کنم بکنیم دویست تومان این التزام است دیگر آیا این درست است یا نه اصل اولی نه، چون این خلاف قیمت خودش است.

آن وقت قانون می آید این کار را می کند ، یکی از کارهای قانونی برای حفظ جامعه عده ای از التزامات شخصی را اجازه می دهد نذر می کند نذرت اگر الله بود اجازه می دهد برای صنم و بت بود اجازه نمی دهد شرط می کنیم شرط اگر بخواهد قانون را دور بزنند اجازه نمی دهد شرط اموری باشد که خاص امورش هم باشد دارای شرایط خاصی باشد اجازه می دهد بیع شما را در شرایطی اجازه می دهد رهن شما را در شرایطی اجازه می دهد و هلم جری این رسمش است دیگر .

التزامات شخصی احتیاج به امضاء دارد درست شد ؟ یکی از چیزهایی که شارع امضاء کرده شرط است بیع هم امضاء کرده احل الله البیع ، عهود و عقود ، اوفوا بالعقود ، این ها را امضا کرده است ، اخذنا منکم میثاقا غلیظا عقد نکاح را امضاء کرده است و الا خوب این خلاف است ، من ملتزم می شوم شوهر این باشم این هم ملتزم می شود زن من باشد ، اصل اولی این است که فاسد است حق ندارد کسی چنین کاری بکند ، باید برگردد به شارع ، شارع این را در صورتی که میثاق غلیظ باشد اجازه داده است ، فرموده درست است این زوجیت حاصل می شود ولکن بحث شرط سر این است که آیا شرط مطلق التزام است یعنی من التزام بدهم یک چیزی به آن شرط می گویند ؟ من التزام می دهم ساعت پنج می آیم منزل شما من التزام می دهم این کتاب را به شما بدهم در مقابل هزار تومان این شرط است یا این عقد است ؟ شرط عبارت است از یک التزام فی التزام ، یعنی التزام هست اما در ضمن یک التزام دیگر این کتاب به شما می فروشم به شرطی که برای من یک ورقه نامه بنویسید شرط این است .

مرحوم یزدی چند دفعه عرض کردم ایشان با تمسک به عده ای از روایات می گویند نه التزام ابتدایی هم شرط است ، راست است در روایت هم آمده شرط الله قبل شرطک ، این در روایت آمده ، عنوان شرط آمده است . و لذا معتقدند که مثل المؤمنون عند شروطهم عقود را هم شامل می شود دقت کردید نتیجه چه شد ؟

ما اگر آمدیم گفتیم شرط یک التزام مستقل است ، این عقد مضاربه کجایش مشکل پیدا کرد چون شرط است ، شرط هم التزام فی التزام نمی شود بگوییم نهی از سفر کرده که مرحوم نائینی فرمود مضاربه را محدود می کند دقت کردید ؟ التزام در التزام .

شما برو سفر برای من فلان چیز را بخر بیاور اینجا بفروش پنجاه پنجاه سود این التزام را محدود می کند که از بیابان رد نشو ، این مشکل این قصه اینجاست خوب دقت کنید . شاید مرحوم نائینی با یک ارتکاز خاصی می خواهد یک چیز دیگری بگوید ، بگوید بعید نیست در اینجا که این جا این نهی از سفر خودش التزام باشد التزام فی التزام نباشد آن وقت بیاییم آن حرف آقای خوئی هم که فرمود این حکم علی خلاف القاعده است بگوییم خلاف قاعده اش اینجاست آن نکته ی خلاف قاعده اش این است .

حالا این را چطوری می‌توانیم قاعده مند کنیم و در دنیای حقوق و قانون و قراردادهای بکشیم و درستش بکنیم یا خرابش کنیم نکته را نمی‌دانم ملتفتید ؟ اینجا ببینیم چه واقع شده است اولاً ایشان عقد مضاربه بست این عقد که مشکل نداشت که ثانیاً ایشان طبق و ایشان بر ایشان شرط کرد که در سفر از صحرا رد نشو ، این هم بود راست است .

ثالثاً ایشان مال را به ایشان داد یعنی آن عقدی را که با ایشان انجام داده بود عمل هم به او کرد خوب دقت کنید آن مالی را که به ایشان داده بود یعنی گفته بود مضاربه بکن با صد هزار تومان آن صد هزار تومان را هم فعلاً به او داد این پول را هم به او داد پس عقد لفظی واقع شده عملاً هم این کار را در اختیارش قرار داده است . آن وقت بیاییم بگوییم در این جور جاها که عقد لفظی واقع می‌شود خوب نکته را دقت کنید عمل هم به او می‌کند، عملاً انجام می‌دهد در حقیقت شرط می‌شود یک التزام مستقل .

این که مرحوم نائینی می‌خواهد بگوید ملتفت شدید چه می‌خواهم بگویم ؟ این نکته ای است حالا این اگر بشود یک باب دیگر خلاف قاعده هم نمی‌شود اگر این مطلب این طور شد بگوییم این فهم عرفی این را می‌فهمد و لذا حالا فروعی که بر مساله بار می‌شود اگر به ایشان گفت آقا شما این پول را بگیر برویم به طرف شام از جاده هم بریم به بیابان هم وارد نشویم میان بر هم وارد نشویم درست شد ؟ ایشان رفت میان بر هم وارد شد اما سالم ماند پول هم سالم ماند رسید به شام حالا فرض کنید مسافرخانه هتل هر جا رفت اختیار کرد که مشغول خریدن متاع بشود دزد شب آمد و پول را دزدید .

ببینید خلاف شرط کرد اما آن خلاف شرط معامله را خراب نکرد اگر از جاده می‌رفت ، دزد پول را می‌دزدید چون امین است ضامن نیست ، دقت کردید ؟ آیا اینجا ضامن است یا نه من نشد در کتاب سنهوری از نظر قوانین جدید این را نگاه کنم که آیا در قوانین جدید این را چه حکم می‌کنند ؟ نمی‌دانم ملتفت شدید چه می‌خواهم بگویم ؟

مضاربه پول را داد مضاربه عقد را هم بست و عملاً هم طبق آن مضاربه عمل کرد خوب دقت کنید ، بگوییم در این جور موارد در حقیقت شرط منحل می‌شود به یک التزام مستقل این که مرحوم نائینی می‌گوید نهی از سفر است این شاید با این ارتکازش بوده ، یعنی آن که منشاء مشکل بود سفر به داخل صحراست روشن شد ؟ حالا این پول در شام حالا ضرورت شد پول را هم ندزدیدند دقت کردید ؟ رسید به شام اگر گفتیم این فقط نهی از سفر بود اصل مضاربه درست بود قاعدتاً ضامن نیست این خیلی اثر دارد ها .

در شام پول را دزدیدند نه در راه ، آیا در این جا چون خلاف شرط کرده است چون شرط التزام فی التزام بود دیگر نمی‌دانم نکته‌ی فنی ؟ این که آقای خوئی هم دارند یک توجهات فقهاتی دارند که باید یک نکته‌ای در اینجا باشد که امام می‌گوید الربح بینهما این معامله را امام

می خواهد تصحیح بکند خوب یکی دیگر از لوازم الربح بینهما اگر پول در شام دزدیده شد ضامن نیست نمی گوید از لوازمش است . الان هم خودم چیزی نمی توانم بگویم هر چه فکر کردم فکرم به جایی نرسید .

یا شرط کرد با ایشان که حیوان زنده نخر مثل همین شرطی که عرض کردم حیوان زنده هم خرید آمد شام در شام پولش را دزدیدند این ربطی به حیوان زنده نداشت ، حیوان زنده را بعد آورد مدینه ، لکن چون شرط کرده بود حیوان زنده نخر و شرط التزام فی التزام پس بگویم این مضاربه فاسد شد حالا که پولش را دزدیدند ضامن است ، نمی دانم نکته‌ی فنی روشن شد ؟

ما می خواهیم بگویم در اینجور جاها که عمل به شرط نمی کند شرط آیا یک قرار جدیدی می شود یک تعهد جدیدی می شود خود شرط.

یکی از حضار : خوب اصالة الفساد در معاملات می گیرد اگر

آیت الله مددی : اصالة الفساد اگر نتوانیم طبق قاعده درست بکنیم ، مستقل اگر ، نه مستقل شده اشکال ندارد این شرط که صحیح است این را که عرض کردم . یک بحث این است که آیا این شرط صحیح است یا نه بله صحیح است .

یکی از حضار : نه التزام در التزامش صحیح است نه التزام مستقلش این اصل

آیت الله مددی : ها ببینید نه آن نکته‌ی مقدمش را عنایت نکردید .

یک عقد مضاربه بسته دو طبق عقد هم عمل کرده دقت کنید نکته این است ، عملا پول را به او داده راضی هم بوده یعنی بگویم این جور جا خواهی نخواهی مثل این جور شرطها می شود مستقل صحبت سر این است . نمی دانم حالا خودمان که نتوانستیم ، از من سوال بکنند نمی توانم حکم کنم که آیا این ضامن هست ، فرع روشن شد برای شما ؟

یکی از حضار : شاید بشود تفصیل بین شروط قائل شد یعنی یک شرطی است

آیت الله مددی : پس می شود کم کم به این قاعده فکر کرد .

این نائینی که می گوید یکی اش نهی از سفر است شرطش نهی ، دقت کردید ؟ ایشان باید یک تکمیلی این کلام روشن شد کلام ؟ من فکر می کنم شاید مرحوم نائینی به آن ارتکاز فقهاتی اش این احساس را بکند که این شرط دیگر التزام فی التزام نیست ، اولاً این شرط فاسد نیست که بگویم شرط فاسد مفسد است یا نه عمل به شرط نکرده است .

در اینجا عقد واقع شده لوازم عقد ، پول هم داده شده آقا گفته بلند شو برو شام راضی هم بوده هیچ نکته‌ی خاصی هم نبوده است

فقط یک شرطی را گذاشته ، نکته‌ی فنی روشن شد ؟ آیا در این جور جا که عقد واقع شده و شرط محدود است به قول مرحوم نائینی شرط

از سفر است یعنی این سفری که از اینجا شروع می شود تا می رود شام و برمی گردد یک تکه ای راه میان بر است این شرط از این راه میان بر است این به اصل مضاربه ضرر نمی رساند . روشن شد ؟ عقد مضاربه صحیح ، نمی دانم واضح شد چه می خواهم بگویم ، عقد مضاربه صحیح واقع شده عمل هم به مضاربه ، این که می گوید الربح بینهما این نکته اش این باشد الربح بینهما یعنی در حقیقت امام می خواهند بفرمایند یعنی مطلبی را که من می خواهم عرض بکنم این در حقیقت می خواهد روی قاعده ای خلاف آقای خوئی که می فرماید ، حسب ظاهر که خلاف قاعده است بیایم روی قاعده درستش بکنیم اگر خواستیم روی قاعده درستش کنیم این لوازم را دارد .

خلاف شرط عمل کرد خوب دقت کنید ، از آن صحرا رفت لکن سالم ماند .

یکی از حضار : آن وقت الان متخلف اگر قرار بود ضرر بکند بالاخره آن را باید قبول می کرد .

آیت الله مددی : بله آن یک بحث دیگری است الوضیعة علی العامل آن بحث دیگری است سه تا نکته دارد که من دو تایش را تا حالا گفتم یکی اینکه ضامن یکی اینکه ربح بینهما ، آن نکته ای الوضیعة علی العامل را هنوز نگفتم یک سه تا نکته دارد اینجا چون وضیعة بر رب المال است در اینجا اگر خلافت شرط کرد می گویند علی العامل ، در این صورت علی العامل ، اگر کمبودی بود .

یکی از حضار : تاثیر فضولی اش هم در همین حالت ممکن است

آیت الله مددی : نه دیگر فضولی نیست عقد بسته است

یکی از حضار : عقد جدید خوب چیز نکرده است ،

آیت الله مددی : عقد جدید نکرده است

یکی از حضار : از زمانی که تخلف می کنند یعنی

آیت الله مددی : نه دقت کنید ، این می گوید در این جور جاها این شرط در حقیقت مثل مرحوم سید که می گوید شرط التزام ابتدایی

است مرحوم سید اصلاً می گوید شرط در روایت التزام ابتدایی است اصلاً

یکی از حضار : اگر التزام ابتدایی باشد و عمل نکند یعنی خود به خود ، خود سرانه در اموال

آیت الله مددی : تاثیری به آن نمی کند ، التزام ابتدایی باشد .

دقت کنید بعضی شرطها التزام ، نه همه ای شرطها مرحوم نائینی من فکر می کنم یک چیزی به ذهنش بوده که نهی عن السفر شرطش

نهی از سفر است می خواهد بگوید این شرط به مضاربه نخورده است به خود عقد نخورده است یک دفعه می گوید آقا من کتاب فروختم

به صد تومان خوب دقت کنید ، به شرطی که برای من یک نامه بنویسید دقت کنید

یکی از حضار: ذات عقد است ؟

آیت الله مددی: اها

در آنجا معنایش این است که اگر نامه ننوشت خود بیع را می تواند به هم بزند دقت کنید ، چرا ؟ نمی دانم ملتفت شدید چه می خواهم بگویم ؟ آنجا شرط التزام فی التزام به ذات عقد فروختم صد تومان لکن به این شرط معلقش کردم به این شرط ، شما به شرط عمل نکردید خوب من برمی گردانم ، اینجا در حقیقت نمی دانم روشن شد در حقیقت اینکه مرحوم نائینی می گویند نهی به نفس سفر خورده این یک نکته ی دو وجه داشت یک وجهش این بود می گفت بعضی از روایات مفادش این است .

یکی از حضار: استاد این روایت حضرت را نمی توانیم این طور معنا کنیم که مراد حضرت این است که یعنی طرف از حق خیارش تخلف شرط شده است دیگر استفاده نکنند دیگر آن موقع الربح بینهما اما اگر استفاده کند و معامله را به هم بزند که دیگر نمی شود گفت که الربح بینهما

آیت الله مددی: ظاهر الربح بینهما حکم الهی است بحث خیار نیست .

یکی از حضار: خوب خیار که ثابت است قطعا چون تخلف شرط است .

آیت الله مددی: همین اینجا می خواهد بگوید خیار ثابت نیست . تمام نکته همین است .

یکی از حضار: اگر نیست این خود مضاربه مفهومی این بود که اگر از بیراهه رفتی و تخلف کردی اصل را ضامن هستی این یک تکه ی مضاربه است اگر سالم رسیدی ، یعنی خود مضاربه دو تا اگر دارد ، اگر سالم رسید اگر از بیراهه رفتی ، خود این اگر که انجام داده مضاربه را مضاربه را اینجور می فهمیده مضاربه یک چنین معامله ای است که اگر از بیراهه رفته

آیت الله مددی: پس ایشان از بیراهه رفت و رفت شام و جنس هم خرید و آورد ، معامله باطل است دیگر .

یکی از حضار: چرا باطل است می گوید اگر رفتی و ضرر کردی اصل را ضامن هستی .

آیت الله مددی: ها این حرف دوم نائینی بود چون دنبال سود هستم من می گوید ارتکاز ماست ، ما روی ارتکاز اشکال کردیم که ارتکاز روی معاملات تاثیر ندارد شبیه این هم در اهل سنت بود سنی ها هم آورده بودند ، یک راه نائینی روی ارتکاز رفت ، که ارتکاز آن بحث ، دو تا بحث کرد ایشان دو فرض .

یک بحث این است که ارتکاز در باب مضاربه استرباح است سود آوری است حالا او سود آوری کرد گفت از آن راه نرو .

یکی از حضار: پس خلاف ذات عقد نیست .

آیت الله مددی: ها خلاف ذات ، این دنبال استرباح بوده این کار را کرد اما این منشاء نشد که آن عقد به هم بخورد آن عقد محفوظ

است چرا چون سود داشت برایش

یکی از حضار: فوqش یک معصیت کرد

یکی از حضار: من می گویم یک معامله ی ترکیبی است یک معامله داریم اگر این کار را کردی این است اگر

آیت الله مددی: دقت می کنید روشن شد حرف نائینی چیست ، دو معامله نگفت من عرض کردم ، من نسبت نمی دهم آقا من خیلی دقیق هستم در نسبت دادن ، این برداشت من که نهی از سفر است و اما اگر بگویم معامله باطل است درست است اما چون سود داشت با ارتکازش قبول است .

یعنی بعبارة اخری معامله که واقع شده معامله ی لفظی که انجام گرفت خوب گفت با تو معامله کردم عملا هم اثر معامله را انجام داد پول به او داد در واقع هم سود آورد یک ارتکازی در عقد مضاربه هست که انسان دنبال سود هست خوب سود هم آورد ، پس بگویم در اینجا چون با ارتکاز عقد هم که واقع شده پس این عقد صحیح است ربح بینهما .

این اگر سود آورد اگر سود نیاورد چون مخالف با ارتکاز است در اینجا می گویم که معامله باطل است ایشان ضامن است . اگر از آن بیراهه رفت و دزد گرفت ایشان ضامن است ، اما اگر از بیراهه رفت و دزد هم نگرفت و سود را برد با ارتکاز معامله را درست می کنیم این می خواهد با ارتکاز ، من آمدم از راه دیگری از آن نهی سفری که ایشان فرمود به جای ارتکاز چون گفتیم در باب معاملات ارتکاز تاثیر ندارد لفظ باید نگاه بشود آن فایده ای ندارد ، ارتکاز را رها کنید .

می ماند در باب معاملات نکته ای که در باب معاملات می ماند این است که شرط خودش التزام مستقلى نیست اما در این جور موارد بگویم شرط التزام مستقلى است ، چرا چون این سفر ربطی به خود مضاربه ندارد ، مضاربه یک قراردادی است پول می دهند جنس بخر ، این یک امر مثل اینکه نهی به خود عبادت نخورد به خارج عبادت بخورد مثل آن دیگر ، آن که مضاربه هست پول را بگیر جنس را بخر جنس را بفروش سود نصف است این مضاربه است . در ذات مضاربه نخوايیده که فلان جا نرو ، پس این نهی نمی دانم ملتفت می شوید؟ پس این نهی تاثیری روی خود عقد مضاربه ندارد . اما وقتی گفت کتاب را فروختم به شرطی که یک ورقه برای من بنویسی ببینید .

یکی از حضار: می شود مثل تخلية السرب باشد که طرف از آن طریقی که خطر دارد نباید می رفته است و رفته است .

آیت الله مددی: نه این نهی است ما می خواهیم معامله را تحلیل کنیم .

یکی از حضار: چون مستقل بود ضمانت مال را نباید می داد در حالی که حضرت فرموده ضامن مال هست ولی سود بینشان تقسیم بشود.

آیت الله مددی: ضامن مال در صورتی که تلف بشود.

یکی از حضار: در صورتی که فخرج روایت می گوید

آیت الله مددی: نه فخرج فان سلم فالربح لذا در یکی اش هم داریم فان سلم متون مختلف بوده است. فان سلم اگر سالم ماند الربح بینهما. دارد سلم دارد، نه سلم دارد.

یکی از حضار: در برخی از روایات نداشت

آیت الله مددی: می دانم مجموعش و مراد اینکه الربح بینهما سالم بماند دیگر

یکی از حضار: اگر دزد برده باشد که

آیت الله مددی: اگر دزد برد که ربی ندارد دیگر.

ضمن اگر تلف شد یعنی بعبارة اخرى اگر این طور ضمانتش به خاطر اینکه مخالفت نهی در سفر کرده گفت سفر نکن، سفر کرد ضامن است. نه به خاطر مضاربه دقت کردید چه می خواهم بگویم ملتفت شدید؟ زمانش، ظاهر روایت فقهای ما فهمیدند در مضاربه فاسد شده ضامن است نه آن ضمانتش به خاطر مخالفت نهی است گفت سفر نکن سفر کرد ضامن است پست.

یکی از حضار: خوب آخر آن باید باز بشود چطور به چه مکانیسمی آن ضامن بشود، مبلغ سر جایش است ولی او ضامن بشود؟

آیت الله مددی: بله چرا چون گفته این کار را نکن انجام داد، التزام هست دیگر خوب، التزام داد که این سفر را نکنند، دقت کردید این حالا طرح امروز ما برای مساله رویش فکر بکنید اصلا سنخ کار را عوض کرده که در اینجا بیاییم به این نحو ما آن وقت لذا خیلی نکته ی لطیفش ملتفت شدید کجا شد که اگر رفت و سالم ماند و رفت شام پول را دزدیدند ضامن هست یا نه؟

یکی از حضار: بعد از تخلف ید عدوانی نمی شود شما می فرمایید؟

آیت الله مددی: نه بعد از تخلف ید عنوانی نمی شود سالم است، سفر فقط منهی بود کار منهی را انجام داد تمام شد مضاربه محفوظ است.

یکی از حضار: استاد عقلا تا همین دو تا شرط وجود دارد.

آیت الله مددی: من فکر می‌کنم شاید عقلا با این موافق باشند اما ... احتمال می‌دهم آن وقت آن نتیجه را دقت کردید چه شد که اگر رفت شام و پول را دزدیدند دیگر ضامن نباشد چون در مضاربه ضامن نیست. اما اگر گفتیم مضاربه فاسد شد ضامن است چون مضاربه فاسد شده است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین